

# فوتبال اردبیل؛ نفس های به شماره افتاده

این روزها به هر ورزشکار و ورزشدوستی میرسی اولین سوالی که باید جواب بدهی این است: «از فوتبال چه خبر؟» بعضی ها خودشان جواب را می دانند و بعد از سوال، خودشان جواب هم می دهند. برخی دیگر فنی تر بحث می کنند و به دنبال عوامل و مسائل حول و حوش قضیه می روند و اتفاقاً نظرات بسیار خوبی هم دارند. عده کمی هم به دنبال توجیه می گردند و عاقبت نتیجه گیری می کنند که فوتبال اردبیل دیگر مُرده و بهتر است از جنازه اش دست بردارند...

هرکسی با هر دیدگاهی، در یک مساله نظر مشترک دارند و آن این است: «عده ای نان به نرخ روزخور در فوتبال اردبیل، آنرا تباه کردند و برای منافع شخصی و گروهی، تیشه به ریشه آن زدند...» جالب اینجاست که هیچکس نمی گوید فوتبال ما پیشرفت کرده...! نمی گوید حاصل مدیریت بر آن منجر به پیشرفتش شده! هیچکس نمی گوید وضع فوتبال ما نسبت به 5 یا 8 سال پیش بهتر شده... راستی چرا؟ چگونه است که هیچکس نمی گوید آقایان متولی و مدعی رشد فوتبال اردبیل، با مدیریت خود باعث ارتقای جایگاه آن شده اند؟ چرا کسی مدافع این نیست که وضع فوتبال ما نسبت به چند سال قبل بهتر شده است؟

هر موفقیت و ارتقایی باید نشانه و خروجی داشته باشد و قطعاً با «حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی شود». چگونه است که هیچ صاحب نظر و کارشناسی ادعای رشد فوتبال استان بخصوص در چهار یا پنج سال اخیر را نمی کند؟ شاید اگر در سال 92 و تحت تاثیر شرایط و زمانی و مکانی خاص در باشگاه شهرداری و صعود به دسته اول و تبعات روانی و مالی و هیجانی آن نبود، شاید الان نشانی از همین وانفسای اندک فعلی هم نبود.

فوتبال اردبیل روزهای سختی را می گذراند. مدیریت احساسی و غلط حاکم بر آن که بیشتر از آنکه بفکر فوتبال باشد در به در به دنبال راهی برای اثبات خود و افزایش طول عمر مدیریتی خود است و از هر فرصتی برای یک حرکت لحظه ای و هیجانی سوء استفاده می کند تا شاید بتواند گوشه ای از نگاه صاحب نظران و کارشناسان را به سمت خود بگرداند. غافل از اینکه دیگر نه چیزی از فوتبال باقی مانده تا بتواند به آن بنازد و نه دیگر دلسوزان واقعی فوتبال اعم از پیشکسوتان و صاحب نظران فریب بازیها و نمایش های ساختگی آنها را می خورند.

فوتبال اردبیل از سال 87 یک سیر سقوطی با شیب ملایم را طی می کرد و افرادی که در این سالها وارد آن شدند، سکان هدایت را به سمتی گرفتند که طیف گسترده ای از کارشناسان و نخبگان امر را از دایره تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های فوتبالی خارج کردند و تفکراتی را بر آن حاکم کردند که بیشتر از آنکه تابع نظر و تصمیمات جمعی و برنامه های کارشناسی بوده باشد، تابعی از حرکات و تصمیمات سلیقه ای، خلق الساعه و هیجانی بمنظور فریب افکار عمومی بود.

سال 90 هم که سالی فراموش ناشدنی در تاریخ فوتبال اردبیل بود. سالی که در آستانه انتخابات مجلس نهم، سیاسیون و افراد خارج از ورزش و فوتبال برای سکانداری فوتبال استان نسخه پیچیدند و به نیت تاثیرگذاری بر رای جامعه ورزش استان بخصوص فوتبال، از ابزار و فشار خود بهره بردند و سرنوشتی را برای فوتبال استان رقم زدند که امروز هم گلوی آنرا گرفته و به شدت فشار می دهد.

این گروه که عمدتا دور ماندگان و طرد شدگان فوتبال بودند از این فرصت به بهترین نحو بهره بردند و با تسلط بر ارگان متولی فوتبال استان، زمینه اختلاف و قهر و دوری دلسوزان و کاربلدان فوتبال را از آن مهیا کردند تا امروز به نقطه ای برسیم که حتی خوشبینانه ترین افراد هم هیچ دلیلی برای دفاع از وضع فعلی فوتبال استان نداشته باشند.

در کنار آن، مسائل مربوط به باشگاه شهرداری و اتفاقات آن در طی سالهای 92 تا 95 هم مزید بر علت شد و کاملا نشان داد وقتی تعقل و تدبیر در امور تبدیل به رفتار و گفتار هیجانی، عامه پسند، دور از منطق و تنها در جهت تاثیرگذاری و گاهی فریب افکار عمومی طراحی می شود، عملا اصل قضیه یعنی فوتبال دچار سردرگمی شده و از جاده صحیح و سالم خارج می شود.

بحث امروز فوتبال استان اردبیل، فقط بحث اشخاص نیست. عمدتا بحث تفکراتی است که بر آن حاکم هستند و چنان شیفته خود و راه خود هستند که هیچ نقد و نظری را هم بر نمی تابند و هرگونه نقد و نظر را به شیوه های منسوخ و برجسب زنی های ناجوانمردانه پاسخ می گویند. متاسفانه همین تهاجمات ناجوانمردانه و برخوردها و تهمت ها و توهین ها باعث شده تا بخش زیادی از بزرگان امر و صاحب نظران سکوت را ترجیح داده و خود را در برابر هجمه ها و تهمت ها و توهین های برخی افراد غالبا ناآگاه و بعضا نوجه های جیره بگیر و نان به نرخ روز خور قرار ندهند. در این بین اندک افرادی هم که شجاعت گفتار داشته و نظر خود را ارائه می کنند در سیل تهاجمات قرار گرفته و آماج توهین ها و تهمت ها قرار می گیرند ولی بازهم می نویسند و می گویند و سکوت نمی کنند...

:Sabaghi Hadi

بهرحال؛ امروز فوتبال اردبیل اسیر تفکراتی است که در فضای بسته و محدود بیشتر از آنکه به فکر فوتبال و آینده آن باشند، به دنبال راهی برای تداوم حضور خود هستند. از هر راهی که باشد و بتوانند این حضور را اثبات نمایند، غفلت نمی کنند. این هیئت دچار سرگردانی است و نه در ساختار و نه در عملکرد هیچ کارنامه برای دفاع ندارد.

امید است هر چه زودتر با تشکیل مجمع انتخاباتی و تعقل و تفکر این مجمع و انتخاب فردی شایسته، اهل فوتبال، کاردان و صاحب فکر و اندیشه که بتواند فاصله ها را کم کرده و با بهره گیری از تفکرات به روز و افراد لایق، دلسوخته، کاربلد، صاحب نظر و سالم، «زمینه تشکیل خرد جمعی برای فوتبال» را کلید زده و تفکراتی را بر آن حاکم کند که به فکر فوتبال و ارتقای جایگاه آن باشند نه ...  
یا حق